

درباره دومین دور انتخابات نمایشی ریاست جمهوری در ایران

دوزخ جمهوری اسلامی و گزینه اژدها و مار غاشیه

۱۳۸۴ خرداد ۲۷، نهادهای انتخاباتی ایران

بررسی نتایج انتخابات غیر دمکراتیک ۲۷ خرداد ماه ۱۳۸۴ و تعیین دوره دوم این انتخابات در تاریخ جمعه سوم تیرماه ۱۳۸۴ می‌داند که در ادامه "بیانیه شورای هماهنگی جمهوریخواهان دمکرات و لائیک در باره تحریم نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران" (موخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۴)، نکات زیر را در معرض افکار عمومی بگذاریم.

(۱) نتایج انتخابات ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ مخدوش و فاقد اعتبار حقوقی و سیاسی براساس موازین دمکراتیک است. شرکت فعال نیروهای مسلح بویژه سپاه و بسیج در انتخابات تا بدان پایه که بنا به گفته سخنگوی وزارت کشور، "ستاد کل نیروهای مسلح کشور" در آن مداخله داشته، حتی با قوانین جمهوری اسلامی که مداخله نیروهای انتظامی را در امر انتخابات ممنوع اعلام می‌دارد مغایر می‌باشد. نقش روز افزون سپاه و بسیج بویژه پس از انتخابات مجلس هفتمن و طی انتخابات اخیر در سیاستگزاریهای نظام مقام می‌سابقه ائمی یافته است. حمایت فعال شورای نگهبان از این مداخلات که بویژه با استفاده از نیروهای بسیج به تشکیل "هئیت نظارت" سیصد هزار نفره با بودجه رسمی چهارده میلیارد تومانی مبادرت ورزیده است، انکار ناپذیر است. استنادات و دعاوی آقای کروبی مبنی بر "دخلتهای سازمان یافته در هدایت آراء" که عیناً مورد تأیید آقایان رفسنجانی و معین نیز قرار گرفته است، و نیز مخدوش بودن آراء چهار استان بزرگ کشور، علاوه بر فضاحت‌های انتخاباتی مربوط به وزن آراء باطله (۷ درصد)، استفاده از شناسنامه‌های متعدد، واختصاص غیرمجاز بودجه دولتی و شهرداری به تبلیغات برخی کاندیداهای انتخابات جملگی مؤید آن است که نتیجه این انتخابات نمایشی، نظری خود این انتخابات باطل است و رعایت حداقل ضوابط حقوقی مستلزم به تعویق افکندن دور دوم انتخابات، رسیدگی به شکایات کاندیداهای "برکنار شده"، شمارش مجدد آراء تحت نظارت نهادهای مستقل بدور از مداخله سپاه و برگزاری مجدد آن می‌بود. اما از آنجا که حکم حکومتی ولی فقیه مبنی بر "مشارکت حداقلی در انتخابات" بوده است، می‌باید، اولاً با توصل به همه گونه تقلبات انتخاباتی مرسوم در نظام جمهوری اسلامی و نظامی کردن انتخابات میزان مشارکت مردم را به بالاتر از حد نصاب ۵۰ درصد می‌رسانند؛ و ثانیاً در شمارش آراء چنان مداخله می‌کردند که در دور دوم انتخابات نمایشی، مردم ایران را در دوزخ جمهوری اسلامی ناگزیر از پناه بردن به "اژدها" (هاشمی رفسنجانی) در مقابل "

(2) گزینه "ازدها" یا "مارغاشیه" مبنای نظام دوزخی است که در آن همواره ترس همگانی از وحامت بیشتر اوضاع، تشدید نامنی و ادبیات، و افزایش فقر بیعت "امت" و "امام" را ممکن کرده است. مع الوصف نیک اگر بنگریم، نتایج همین انتخابات نمایش نشان می‌دهند که بازیگران اصلی این صحنه همه اجزای یک نظاممند. آیا جز این است که اصلاح طلبان با پذیرش حکم حکومتی ولی فقیه در اباقای نامزدی معین به گرم کردن تنور انتخابات شتابند و از باری دبیر کل نهضت آزادی و بخشی از نیروهای موسوم به ملی - مذهبی که با کمترین گوشی چشمی تمامی شرط و شروط این حزب را برای شرکت یا عدم شرکت در انتخابات فراموش کردند، برخوردار شدند؟ آیا سکوت مماسات طلبانه رئیس جمهور تدارکاتی و وزارت کشور در قبال شورای نگهبان و مداخله نظامیان را نباید یکی از آخرین پرونده‌های شرم آور حکومت اصلاح طلبان دانست؟ و با آن که باید از حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی سخن گفت که بی‌اعتنایتی به اظهارات کاندیدای خود در طرف کمتر از یک شبانه روز، پرونده مخدوش انتخابات را خاتمه یافته تلقی کردند و حمایت خود را از رفسنجانی در دور دوم انتخابات اعلام داشتند؟ براستی چه کسانی بیش از اصلاح طلبان حکومتی در شکستن سیاست تحریم ایفای نقش کردند؟ مگر نه آن است که آقای کروبی در "نامه سرگشاده خود به خامنه‌ای" هدف اولیه و مقدم خود را "گرم کردن تنور انتخابات" می‌داند، و آقای رفسنجانی نیز که از هم اکنون خود را در مسند ریاست جمهوری می‌بیند یکی از سه هدف اصلی را که نقداً تحقق یافته است، "کمک به مشارکت حداکثری مردم" می‌شناسد؟ گیریم که این انتخابات تعارض قدیمی "جمع روحانیون مبارز" و "روحانیت مبارز" را که از سال ۱۳۶۶ تاکنون پهنان و آشکار در جریان است بدان پایه رسانده باشد که بنیانگزار مجمع روحانیون مبارز از آن خارج گردیده، سودای تأسیس حزبی جدید را در مقابل با "سکولارها و متحجرین" داشته باشد؛ گیریم که اختلافات خانوادگی روحانیت مُهر خود را بر تاروپود رقابت‌های انتخاباتی زده باشد و بدین سان دور جدیدی از کشمکش‌های حزبی و خطی را در فردای انتخابات نهمین دوره وعده دهد، اما آیا بجز این است که جملگی منفعت و مصلحت حفظ نظام را اصل می‌شمارند؟ و حال اگر افراط و تفریط کاریهای "اصلاح طلبان" یا "متحجرین" با مصلحت نظام جور در نیاید، یا با مقتضیات داد و ستد و چانه زنی با اروپا و بویژه ایالات متحده آمریکا که دل مشغولی اصلی سردمداران نظام در لحظه حاضر است انتباق نداشته باشد، تعدیل و تصحیح می‌شود. نه پیروزی رفسنجانی در دور دوم انتخابات به معنای حذف احمدی نژادهاست و نه پیروزی احمدی نژاد، حذف رفسنجانی‌ها را بدنیال خواهد داشت: یکی در پرونده قتل میکونوس سهیم است (رفسنجانی به همراه خامنه‌ای) و آن دیگری (احمدی نژاد) در تدارک قتل دکتر قاسملو؛ ولو آن که عالیجناب خاکستری خود را در مقام ژاک شیراک، در برابر ژان ماری لوپن تصویر کند، و در رقابت با احمدی نژاد بجای کروبی بخت "جلب و مشارکت حداکثری" را در دور دوم انتخابات به مراتب بیشتر بداند بی‌آنکه همزمان از "ابراز همدردی" ریاکارانه با کروبی غفلت ورزد.

(3) یکی از مهمترین ویژگیهای انتخابات اخیر، حضور معنوی و سیاسی غایبین حاضر در صحنه یعنی تحریمیان بود، آنان که از جانب وزیر اطلاعات لقب طرفداران "براندازی نرم" را گرفته بودند. این جنبش به رغم آنکه طیف گسترده و متنوعی از مخالفان حکومت اسلامی را در بر می‌گیرد، نتوانست از تمامی طرفیتهای خود بهره جوید. جنبش تحریم بازتاب وسوسه و دغدغه اصلی عموم شهروندان ایرانی بالاخص زنان و جوانان و مزد و حقوق بگیران، و اقوام تحت ستم پیرامون تعارض نظام جمهوری اسلامی با دمکراسی و حقوق بشر می‌باشد. افزایش نافرمانی‌های مدنی در روزهای اخیر، تظاهرات و اعتراض غذاها و همگرانی هرچه بیشتر جمهوریخواهان داخل و خارج کشور، نشانگر تقویت صدای سومی است که ما خود را بدان متعلق می‌دانیم. جنبشی که بحای اتکا به هراس مردم، بر آگاهی، توانایی و خواست عمومیشان یعنی دمکراسی، حقوق بشر، آزادی و عدالت اجتماعی تکیه دارد. با درک دشواریهای طاقت فرسای زیستن در زیر سیطره چنین نظامی، جز بیان همدردی با مردمی که در برابر چنین گزینه‌های دوزخی قرار گرفته اند چه می‌توان گفت؟ بی‌گمان انتخابات اخیر و نحوه شرکت یا عدم شرکت گروه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، سنی، جنسی، قومی و مذهبی بازتاب گوناگونی جامعه ماست. لیکن ما، بعنوان بخشی از این صدای سوم با پاشاری بر سیاست تحریم دور دوم انتخابات، به تقویت و تکوین همان قطب مستقلی از جمهوریخواهان دمکرات، مدافع جدائی دین از دولت می‌اندیشیم که تلاش می‌کنند تا خود را مستقل و جدا از انجمن‌ها و تشکلهای حکومت ساخته و وابسته بدان سازمان دهند و راه برچیدن این نظام ضد دمکراتیک را هموار نمایند.

گروه کار سیاسی جمهوریخواهان دمکرات و لائیک

پنجمینیه دوم تیرماه ۱۳۸۴

مطا بق با ۲۳ زوئن ۲۰۰۵